



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۶ آبان ۱۳۹۱

موضوع کلی: مسئله بیست و پنجم

مصادف با: ۱۱ ذی الحجه ۱۴۳۳

موضوع جزئی: شک در صحت و فساد تقلید

جلسه: ۲۳

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسئله بیست و پنجم:

«إذا كان أعماله السابقة مع التقليد و لا يعلم انه كان عن تقليد صحيح أم فاسد بينى على الصحة».

اگر اعمال گذشته مکلف با تقلید بوده باشد (در مقابل مسئله بیست و چهارم که از اساس عمل بدون تقلید داشت اینجا عمل با تقلید بوده است) لکن نمی‌داند که آیا این تقلید او، تقلید صحیح بوده یا فاسد، در این صورت بنا را بر صحت می‌گذارد. (عبارت تحریر را در ادامه توضیح خواهیم داد).

مرحوم سید در مسئله چهل و یکم عروة هم تقریباً با همین تعبیر این مطلب را بیان کرده‌اند: «إذا علم أن أعماله السابقة كان مع التقليد لکن لا يعلم أنها كانت عن تقليد صحيح أم لا بنى على الصحة».

توضیح عبارت:

در مورد این «بینی یا بنی علی الصحة» دو صورت متصور است یعنی اینکه می‌گوید اگر اعمال سابقه را با تقلید انجام داده، ولی اگر شک در این کرده که اعمالش مستند به تقلید صحیح بوده یا نه، بنا را بر صحت بگذارد، در این مورد دو صورت وجود دارد:

صورت اول: اینکه بنا بر صحت تقلید سابق می‌گذارد یعنی صحت را به خود تقلید نسبت بدهیم چون شک دارد تقلیدش صحیح بوده یا فاسد می‌گوید بنا را بر صحت تقلید بگذارد.

صورت دوم: دیگر اینکه بنا را بر صحت اعمال سابقه بگذارد یعنی اینکه شک دارد اعمالش از روی تقلید صحیح بوده یا فاسد، بنا را بر صحت اعمال سابقه بگذارد.

اگر ما به این دو صورت دقت کنیم فرق این دو کاملاً روشن است به این صورت که گاهی خود تقلید مورد توجه است یعنی فی نفسه آثاری بر تقلید صحیح یا تقلید فاسد مترتب است مثلاً خود تقلید اگر صحیح باشد بعضاً عدول به شخص دیگر جایز نیست و اگر تقلید فاسد باشد عدول واجب است. پس از این حیث آثاری بر صحت و فساد خود تقلید مترتب است. اما گاهی تقلید به اعتبار اعمالی که مستند به تقلید انجام می‌شود، مورد توجه است یعنی صحت تقلید از جهت صحت اعمال ملاحظه می‌شود و اگر در صحت و فساد تقلید شک می‌شود این در واقع منشأ شک در صحت و فساد اعمال می‌شود همان گونه که در

فرض مسئله بیست و چهارم که بحث در مورد عمل بدون تقلید بود، بحث می‌کردیم که آیا اعمال مقلد صحیح است یا فاسد؛ اینجا هم جای بحث از صحت و بطلان اعمال وجود دارد.

پس دو جهت در این مسئله وجود دارد: یکی اینکه بنا بر صحت تقلید گذاشته می‌شود چون شک در صحت تقلید دارد و البته نتیجه بنا بر صحت تقلید گذاشتن صحت اعمال نیز می‌باشد و دیگر اینکه بنا بر صحت تقلید گذاشته می‌شود به این صورت که شک در صحت و بطلان اعمال ناشی از شک در تقلید است.

حال ملاحظه این نکته به عبارت توجه می‌کنیم: «إذا كان أعماله السابقة مع التقليد» این عبارت فارق بین این مسئله (مسئله بیست و پنجم) و مسئله بیست و چهارم است.

«و لا يعلم أنها كانت عن تقليد صحيح أم فاسد» ولی نمی‌داند این اعمالش از روی تقلید صحیح بوده یا تقلید فاسد «بینی علی الصحة» بنا بر صحت می‌گذارد؛ پس در اینجا دو احتمال وجود دارد یکی "بینی علی صحة اعماله" و دیگری "بینی علی صحة تقليده".

صور مسئله:

ما هر دو مسئله را اینجا بحث می‌کنیم یعنی آنجا که شک در صحت تقلید دارد و بنا بر صحت تقلید می‌گذارد و آنجا که بنا را بر صحت اعمال می‌گذارد:

صورت اول:

در صورت اول دو فرض متصور است:

فرض اول: گاهی شک در صحت و فساد تقلید به این جهت است که اساساً نمی‌داند تقلید او بر اساس موازین شرعی و به واسطه یک طریق معتبر بوده یا نه مثلاً باید به دو شاهد عادل رجوع می‌کرد که آن دو شهادت به اجتهاد یا اعلمیت می‌دادند او به شهادت یک عادل اکتفا کرده یا مثلاً از مرجعی تقلید کرده بر اساس هوای نفس (مثلاً از شکل و شمایل یا سایر خصوصیات شخصی او خوشش آمده است) یعنی طرق معتبر برای ثبوت اجتهاد و اعلمیت را نادیده گرفته و بر اساس هوای نفس از شخصی تقلید کرده است. پس گاهی شک در صحت و فساد تقلید به خاطر این است که شک دارد آیا آن موقعی که می‌خواست تقلید کند، واقعاً تحقیق کرده یا روی یک امری که مطابق با موازین نبوده، تقلید کرده است که در این صورت بر این شک هیچ اثری مترتب نیست چون فرض این است که مجتهد واجد شرایط بوده یعنی آن کسی که تقلید را از او آغاز کرده است واقعاً مجتهد بوده و شرایط لازم در آن شخص بوده و عمل این شخص هم مطابق با فتوای او بوده پس تقلید او صحیح است یعنی اصالة الصحة جاری می‌کند و بنا را بر صحت تقلید می‌گذارد و می‌گوید تقلید من صحیح است لازمه‌ی صحت تقلید او صحت عمل هم هست چون برای صحت عمل مطابقت با فتوای مجتهد لازم است و طبق فرض آن شخص هم شرایط مرجعیت را دارا بوده و حتی اگر بگوییم لازم است عمل مستند به فتوی باشد، در اینجا این استناد هم وجود دارد لذا عمل او صحیح است.

پس در حکم این فرض از صورت اول مشکلی نیست و بنا بر صحت گذاشته می‌شود و وجه آن هم روشن است ولی مسئله این است که باید دید آیا این عبارت شامل این فرض می‌شود یا نه؟ ما در این مسئله دو بحث داریم یکی حکم خود مسئله می‌باشد و دیگری شمول عبارت نسبت به فروض مختلف آن.

چنانچه در جمع بندی بحث که بعد از بیان فروض مسئله خواهیم گفت به اینکه متن مسئله شامل چه فروضی می‌شود اینجا می‌توان گفت که این فرض از صورت اول مشمول این عبارت نیست چون ظاهر عبارت حکم به صحت تقلید است در صورت شک در صحت تقلید و طبق فرض او شک در صحت تقلید ندارد. لذا متن شامل این فرض اول نمی‌شود.

فرض دوم: شک در صحت و فساد تقلید دارد لکن از این جهت که نمی‌داند آیا مجتهد واجد شرایط بوده یا نه مثلاً از دو عادل سؤال کرده و بینه قائم شده و آنها گفته‌اند این شخص مجتهد است و واجد شرایط می‌باشد لکن الآن معلوم شده که آنها اشتباه کرده‌اند و آنها عادل نبوده‌اند؛ در این صورت می‌فرماید: «بینی علی الصحة».

یک بخش از فرض دوم صورت اول در مسئله هفدهم بیان شده و یک بخش از آن در مسئله شانزدهم؛ این بخش از مسئله که اگر کسی شک در این بکند که آیا مجتهدی که از او تقلید می‌کرده، در آن زمان واجد شرایط بوده یا نبوده این شخص چه باید بکند؟ در آن زمان یقین داشته که این شخص مجتهد است و تقلید کرده منتهی الآن شک کرده در اینکه آیا در آن موقع مجتهد واجد شرایط بوده یا نه؟ (این شک ساری می‌باشد و شکی است که موجب زوال یقین گذشته او شده است.) در این صورت حکم این است که باید الآن فحص کند و تفصیل آن در مسئله هفدهم بیان شد.

اما راجع به اعمال گذشته اگر راهی ندارد که بفهمد از دو سال گذشته این شخص اعلم بود یا نه هر چند الآن اعلم می‌باشد، اینجا باید ببیند آیا عمل او مطابق با واقع یا فتوای اعلم بوده یا نبوده که اگر اعمال او مطابق واقع یا فتوای اعلم نبوده، عملش باطل است و این فرض از محل بحث خارج است چون در عبارت آمده «بینی علی الصحة» و باید آن فرضی را در نظر بگیریم که در آن حکم به صحت شده نه مثل این فرض که حکم به بطلان می‌شود و این مطلب در مسئله شانزدهم بیان شد. پس تا اینجا معلوم شد ظاهر عبارت شامل فرض شک در صحت و فساد خود تقلید نیست چه در فرض اول که شک در صحت و فساد تقلید از این جهت است که آیا تقلید او بر اساس موازین شرعی بوده یا نه و چه در این فرض که شک در صحت و فساد تقلید ناشی از این است که آیا اساساً آن مقلد واجد شرایط بوده یا نبوده است.

صورت دوم:

صورت دوم آنجایی است که شک در صحت و فساد اعمالش دارد که بر اساس تقلید مشکوک واقع شده (منشأ این شک تقلید مشکوک است) در این صورت نمی‌داند اعاده و قضاء اعمال بر او واجب است یا نه پس در این صورت «بینی علی الصحة» ناظر به اعمال است یعنی اگر برای شخص تقلیدی مشکوک بود و در نتیجه اعمال برایش مشکوک شد بنا بر صحت بگذارد یعنی اعاده و قضاء نمی‌خواهد؛ اینجا هم همان دو فرضی که در صورت اول بود وجود دارد:

فرض اول: یکی اینکه شک در صحت تقلید دارد لکن این شک ناشی از آن است که نمی‌داند استناد به فتوای مجتهد بر طبق موازین و طرق معتبر شرعی بوده یا نه و این باعث شده در صحت اعمال شک کند. درست است اینجا شک در صحت اعمال

است ولی وقتی به منشأ شک رجوع می‌شود، منشأ شک او شک در تقلید است و شک در تقلید هم تارة به واسطه این است که نمی‌داند این طرق معتبر بوده‌اند یا نه؛ که در این صورت حکم به صحت عمل می‌شود و گفته می‌شود قضاء واجب نیست چون فرض این است مجتهد واجد شرایط بوده و عمل شخص هم مستند به فتوای مجتهد است و مطابق با فتوای او هم هست لذا بینی علی صحت اعماله و دیگر قضاء و اعاده ندارد.

فرض دوم: و فرض دوم هم اینکه شک او در صحت تقلید به این جهت است که آیا کسی که سابقاً از او تقلید کرده آیا واجد شرایط بوده یا نه اینجا هم حکم به صحت عمل می‌شود و اعاده و قضاء واجب نیست.

حال بحث این است که آیا ظاهر عبارت شامل این دو فرض از صورت دوم می‌شود؟ فرض اول قطعاً مشمول عبارت هست؛ البته ما تقریباً بخشی از فرض اول صورت دوم را در ذیل مسئله بیست و چهارم تحت عنوان صورت سوم بحث کردیم (مسئله بیست و چهارم سه صورت داشت که عمل جاهل بدون تقلید یا مطابق با واقع است یا علم به مخالفت با واقع دارد و یا شک در موافقت و مخالفت دارد که درجایی که شک در موافقت و مخالفت دارد یعنی شک دارد آیا این عمل او مطابق با واقع هست یا نیست) به نوعی صورت سوم از مسئله بیست و چهارم همین مسئله است یعنی شک در صحت و فساد تقلید از این جهت که اعمال مترتبه بر آن صحیح بوده یا نبوده است. بهر حال این فرض هم مشمول عبارت است.

جمع بندی:

در مسئله بیست و پنجم دو صورت و در هر صورت دو فرض وجود دارد:

صورت اول: در شک در صحت و فساد تقلید بنا را بر صحت تقلید می‌گذارد که خود این دو فرض دارد:

فرض اول: شک در صحت و فساد تقلید به خاطر اینکه شک دارد آیا بر طبق موازین معتبر در انتخاب مرجع تقلید عمل کرده است یا نه؟

فرض دوم: شک در صحت و فساد تقلید از این جهت که آیا شخص مقلد واجد شرایط تقلید بوده یا نبوده که در هر دو صورت گفتیم بینی علی الصحة.

ولی بعید است بگوییم این دو فرض صورت اول با توجه به اینکه ما عرض کردیم حکم آن سابقاً در مسائل گذشته (مسئله شانزدهم و هفدهم) بیان شده، مشمول عبارت می‌باشند.

اما صورت دوم: این صورت که اساساً شک در صحت و فساد اعمال است و ناشی شده از شک در صحت و فساد تقلید خودش دو فرض دارد:

فرض اول: شک در صحت و فساد عمل دارد ولی این ناشی شده از شک در صحت و فساد تقلید که به خاطر شک در طرق است.

فرض دوم: شک در صحت و فساد عمل که ناشی از شک در صحت و فساد تقلید است ولی به خاطر شک در از وجود شرایط در مقلد می‌باشد.

ظاهر این است که عبارت شامل این دو فرض اخیر است که در آن می‌فرماید حکم به صحت می‌شود و دلیل آن از مطالبی که سابقاً بیان شده کاملاً روشن است.

«هذا تمام الكلام فى المسئلة الخامسة و العشرين»

بحث جلسه آینده: پیوندی بین این چند مسئله یعنی مسئله بیست و چهارم و پنجم و ششم وجود دارد که باید یک مقایسه‌ای کرد و دید آیا واقعاً مسئله بیست و ششم چه اضافه‌ای نسبت به مسئله بیست و پنجم دارد و آیا لازم بود مسئله بیست و پنجم تکرار شود یا نه و اینکه آیا این مسئله در رابطه با احتمالاتی که بیان شد می‌تواند قرینیت داشته باشد یا نه که مورد بررسی قرار خواهیم داد إن شاء الله.

«والحمد لله رب العالمين»